

بررسی تطبیقی گزارش منابع منتخب از فضائل ائمه اطهار

محمدجواد واعظی*

چکیده

با بررسی نقلیات مورخان مشهور (ابن سعد در الطبقات الکبری، بلاذری در انساب الاشراف، یعقوبی در تاریخ یعقوبی، طبری در تاریخ الرسل و الملوک و مسعودی در مروج الذهب)، می‌توان به گزینشی بودن گزارش ایشان از حیات ائمه علیهم‌السلام و تلاشی که برای تأثیر بر ذهنیت مخاطبان انجام گرفته، رسید. فضائل ائمه علیهم‌السلام نیز از این رویکرد مستثنا نیست. در این مقاله به بررسی چگونگی انعکاس فضائل ائمه علیهم‌السلام و اینکه این امر چگونه قابل تحلیل است؟ و نیز ترکیب گزارش مورخان از فضائل ایشان چیست؟ و همچنین رویکرد هر منبع جهت القاء ذهنیت خاص نسبت فضائل ائمه علیهم‌السلام به چه شکل است؟ می‌پردازیم. نکته مشترک تمام منابع منتخب انحصار بیان فضائل ائمه علیهم‌السلام، به امامان نخستین و عدم توجه به سایر امامان علیهم‌السلام است. گویا فضیلت رابطه ناپیدایی با قرابت زمانی به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارد و هرچه فاصله بیشتر می‌شود، فضائل ائمه علیهم‌السلام هم کم‌رنگ‌تر می‌شود. هر یک از این پنج منبع رویکرد متفاوتی در گزارش فضائل ایشان در پیش گرفته‌اند.

واژگان کلیدی

فضائل ائمه علیهم‌السلام، منابع تاریخی و فضائل ائمه علیهم‌السلام، طبقات الکبری، انساب الاشراف، تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری، مروج الذهب.

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

m2110514@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۸

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۳

طرح مسئله

از آنجا که ائمه در نگاه شیعیان، خلفای منصوص رسول خداوند متعال و در نظر اهل سنت انسان‌هایی شایسته و از بزرگان اسلام بوده‌اند و نقشی مؤثر در تاریخ اسلامی داشته‌اند، باید زندگی و شخصیت‌شان مورد توجه دقیق همگان قرار گیرد. اما هر یک از مورخان با سبک و روش خود به بیان سیره و احوال و اخبار آنان پرداخته‌اند. با مروری بر منابع تاریخی و نگاه گذرا به گزارش مورخان مسلمان از تاریخ ائمه در این منابع، تفاوت معناداری در عملکرد مورخان مشاهده می‌شود. این تفاوت ممکن است محققین و جویندگان حقیقت را دچار ابهام سازد. لذا پژوهش و پرتوافکنی در این زمینه علاوه بر زمینه‌سازی کشف حقیقت می‌تواند طرح و نقشه مورخان کهن اسلامی در گزارش‌گزینی تاریخ امامان را آشکار سازد. در کتاب‌های تاریخی پنج مورخ شهیر (محمد بن سعد در *الطبقات الکبری*، بلاذری در *انساب الاشراف*، یعقوبی در *تاریخ یعقوبی*، طبری در *تاریخ الرسل و الملوک و مسعودی در مروج الذهب*)، این تفاوت هم در اصل نقلیات، حجم و تعداد اخبار معلوم است و هم در تلاش مورخ برای اثرگذاری بر ذهنیت مخاطبان. موضوع گزارش فضائل ائمه نیز نه تنها از این رویه مستثنا نیست، بلکه سنجه خوبی برای بررسی رویکرد مذکور است. در این مقاله تلاش می‌شود تا انعکاس فضائل ائمه در منابع منتخب بررسی و تبیین شود که ترکیب گزارش مورخان از فضائل ائمه چگونه است؟ و در انعکاس فضائل ائمه به دنبال القای کدام ذهنیت تاریخی به مخاطب بوده‌اند؟

پیشینه بحث

طبیعی است که پیش از این نویسندگانی به این موضوع اشاره کرده باشند که به برخی از نزدیک‌ترین این آثار به موضوع مورد بحث اشاره می‌شود. کاظم بیکی و مصطفی گوهری در مقاله (نگاه اهل حدیثی ابن سعد به تاریخ اسلام، بررسی موردی شرح حال امام علی علیه السلام در کتاب *الطبقات الکبری*) با بررسی موردی زندگی امام علی علیه السلام در کتاب *الطبقات الکبری* به این نتیجه رسیده است که پایبندی ابن سعد به ضوابط اهل حدیث او را به ارائه گزارش متفاوت از حوادث تاریخی به‌ویژه زندگی امام علی علیه السلام کشانده است. مقاله، اختصاصی به فضایل ندارد و همان‌طور که معلوم است در آن به بررسی شرح حال امام علی علیه السلام آن هم فقط در کتاب *الطبقات الکبری* اکتفا شده است. در مقاله‌ای دیگر با عنوان (بررسی و نقد دیدگاه طبری در تاریخ نسبت به اهل بیت علیهم السلام - محمد نور الهی، *مجله علوم اسلامی*، شماره ۴، ص ۸۷) سعی بر آن است تا روشن شود

که طبری نه تنها در ثبت وقایع تاریخی رعایت حقائق (خصوصاً در فضائل اهل بیت علیهم السلام) را ننموده، بلکه در برخی حوادث تعدد به تحریف و کتمان آنها نیز داشته است. همچنین به این نکته پرداخته می‌شود که منابع طبری در تاریخ‌نگاری برخی جعلی و ساختگی و غیرقابل اعتماد می‌باشد. پژوهشگر در این مقام نبوده که به تمامی اخبار مربوط به اهل بیت علیهم السلام در تاریخ طبری بپردازد و تنها به نقد کلی روش و منابع طبری در تاریخ‌نگاری پرداخته است. در کتابی با عنوان (فضائل علی علیه السلام) در سیره *ابن هشام و تاریخ طبری و تاریخ یعقوبی*) نویسنده تلاش کرده تا فضائل و ویژگی‌ها و برجستگی‌های علی علیه السلام از لابلای این سه کتاب استخراج و به ترتیب تاریخی تنظیم کند. وی در فصول جداگانه فهرستی از فضایل ذکر شده در هر یک از این منابع را بیان کرده و گاهی به صورت موردی با بررسی محتوایی اخبار، عملکرد هر یک از مورخین را در ترازوی نقد قرار داده است. وی طبری را در جمع‌آوری اخبار موفق دانسته و یعقوبی را با توجه به محتوای فضائل نقل شده، شیعہ می‌داند. به طور قطع این آثار و سایر نوشته‌هایی که ارتباط کمتری با موضوع مورد پژوهش دارند، در جای خود جویندگان علم را بهره‌مند ساخته‌اند، لیکن وجه تمایز این پژوهش سه امر است:

۱. تلاش برای رصد تمام فضائل همه ائمه علیهم السلام در پنج منبع منتخب؛

۲. بررسی ترکیب این فضائل و ارائه تحلیل بر اساس نتایج این بررسی؛

۳. نگاه تطبیقی بین پنج منبع در موضوع فضائل.

گزارش فضائل ائمه در منابع منتخب

با بررسی فهرست منابع تاریخی، کتاب‌های متعددی یافت می‌شود که به شکل خاص یا در ضمن گزارش اخبار تاریخی به بیان تاریخ ائمه پرداخته‌اند. منابعی که از سوی مؤلفان شیعی یا سنی نگاشته شده است. طبیعی است هر کدام از این منابع از اهمیت خاص برخوردار است، ولی منابع مورد بررسی در این مقاله با رعایت دو ملاک، یک: مراجعه بیشتر نویسندگان و مورخان بعدی از فریقین به آن منابع؛ دو: عمومی بودن منابع و نه تک‌نگاری یا موضوعی (این مهم بدین جهت است که با اضافه شدن منبعی تاریخی با رویکرد موضوعی و یا تک‌نگاری به تحقیق توازن و تعادل پژوهش در نگاه تطبیقی به منابع از بین می‌رفت؛ زیرا طبیعی است منبعی که با نگاه خاص به زندگانی ائمه بپردازد، از لحاظ حجم و ترکیب اخبار بسیار متفاوت از منبعی است که به تاریخ عمومی می‌پردازد و یکی از موضوعات مورد بررسی‌اش زندگانی ائمه باشد) انتخاب شد و لذا در این مقاله فضائل ائمه در پنج کتاب *الطبقات الکبری، انساب الاشراف، تاریخ یعقوبی، تاریخ الرسل و الملوک*

و *مروج الذهب* مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. از این رو ابتدا هر یک از این منابع را از جهت تعداد و ترکیب اخبار فضایل مورد مذاقه قرار می‌دهیم و سپس برداشت و تحلیل خود را با نگاه تطبیقی مان به مسئله بیان می‌کنیم.

۱. گزارش ابن سعد از فضائل ائمه

بررسی نقلیات ابن سعد

حدود ۶۰ خبر در این منبع به فضائل ائمه پرداخته که منحصر در سه امام نخست می‌باشد. از این تعداد حدود دوسوم آن مرتبط با فضائل امیرالمؤمنین است و بقیه مربوط به فضائل حسنین علیهما السلام بوده که در بیشتر موارد به صورت اشتراکی است و در موارد نادری فضیلت خاصی برای یکی از آن دو بزرگوار نقل شده است.

طرح ابن سعد در بیان فضائل ائمه

ابن سعد از حدود چهل خبری که در آن به نقل فضائل امام نخست پرداخته، پانزده مورد آن بیان فضائلی است که به صورت مشترک با سایر اصحاب و اشخاص وجود داشته و بیشتر هم درباره مسائل اجتماعی یا مقامات معنوی بوده است. مثل بیان اهل فتوا^۱ یا کسانی که علم پیامبر به آنها رسیده^۲ یا نام بردن از ده صحابی اهل بهشت از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (عشره مبشره).^۳ یا خبری که امام را قوی‌ترین مردم مدینه در قضاوت میان اهل مدینه معرفی می‌کند.^۴ به نظر می‌رسد مؤلف تلاش دارد تا امام را در بخشی از فضائل، هم‌ردیف سایر اصحاب معرفی کند. گاهی مؤلف بایان اخبار مقایسه گونه، امام را در خصیصه‌ای بالاتر و در خصیصه‌ای پایین‌تر از سایر اصحاب معرفی می‌کند! که باز نتیجه آن تفاوت نخواهد کرد؛ یعنی هر کدام از اصحاب ممکن است در جنبه خاصی برتری داشته باشند؛ ولی در نهایت، هیچ کدام از اصحاب، نسبت به یکدیگر برتری ندارد.

۱. عن محمد بن سهل بن أبي خيثمة عن أبيه قال: كان الذين يفتون علي عهد رسول الله صلی الله علیه و آله. ثلاثة نفر من المهاجرين و ثلاثة من الأنصار: عمر و عثمان و علي. (ابن سعد، *طبقات الكبرى*، ج ۲، ص ۲۶۷)

۲. همان، ج ۲، ص ۲۶۷.

۳. عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل قال: قال رسول الله: عشرة من قریش في الجنة: أبو بكر و عمر و عثمان و علي و طلحة و الزبير و عبد الرحمن بن عوف و سعد بن مالك و سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل و أبو عبيدة بن الجراح. (همان، ج ۳، ص ۲۹۳)

۴. عن عبد الله قال: كنا نتحدث أن من أفضي أهل المدينة علي بن أبي طالب. (همان، ج ۲، ص ۲۵۸)

مثلاً عمر نقل کرده که امام را قوی‌ترین اصحاب در قضاوت و ابن‌ابی کعب را برترین در قرائت معرفی می‌کند.^۱ نمونه دیگر خبری از زبان پیامبر ﷺ است که ایشان زید بن حارثه کلبی را مولای خدا و خود، امیرالمؤمنین را برادر و دوست و همراه خود و جعفر بن ابی‌طالب را شبیه خلق و خلق خود معرفی می‌نمایند.^۲ نمونه سوم خبری است که به مقایسه ابن‌عباس با امیرالمؤمنین پرداخته و ابن‌عباس را داناترین آن دو به قرآن و علی ﷺ را داناتر به مبهمات معرفی می‌کند.^۳ این دست اخبار را می‌توان تلاشی برای یکسان‌سازی شخصیت اصحاب و اطرافیان رسول خدا دانست.

بعد سوم، اخباری است که فضیلتی را برای شخص امیرالمؤمنین بیان می‌کنند و مقایسه‌ای هم در کار نیست. این دسته از فضائل در این موضوعات نقل شده‌اند:

اولین مسلمان و اولین نمازگزار بودن، عدم عبادت بت،^۴ توانمندی علی ﷺ در امر قضاوت به جهت دعای خیر پیامبر ﷺ،^۵ حضرت را در میان اهل مدینه قوی‌ترین در قضاوت معرفی می‌کند،^۶ یا قوی‌ترین در قضاوت در میان همه،^۷ حدیث منزلت،^۸ پناه بردن عمر به خدا از معضلی که در آن امام علی ﷺ نباشد،^۹ برادری با پیامبر ﷺ،^{۱۰} علم به تمام آیات و زمان و مکان نزول،^{۱۱} علی ﷺ کسی است که بیشترین حدیث را از رسول خدا ﷺ می‌داند،^{۱۲} علی ﷺ بهترین اصحاب در فتوا،^{۱۳} شهادت علی ﷺ در شب عروج عیسی.^{۱۴} علی ﷺ سرشار و معدن علم،^{۱۵}

۱. أخبرنا عبد الملك عن عطاء قال: كان عمر يقول علي أفضانا للقضاء و أبي أفرؤنا للقرآن. (همان، ج ۲، ص ۲۵۹)
 ۲. ... فقال رسول الله ﷺ: أنا أحكم بينكم. أما أنت يا زيد فمولى الله و مولى رسوله. و أما أنت يا علي فأخي و صاحبي. و أما أنت يا جعفر فشبيه خلقي و خلقي. (همان، ج ۸ ص ۱۲۶)

۳. همان، ج ۲، ص ۲۸۰.

۴. همان ج ۳، ص ۱۵.

۵. همان، ج ۲، ص ۲۵۷.

۶. همان، ص ۲۵۸.

۷. همان، ص ۲۵۸.

۸. همان، ج ۳، ص ۱۷.

۹. همان، ج ۲، ص ۲۵۸.

۱۰. همان، ج ۳، ص ۱۶.

۱۱. همان، ج ۲، ص ۲۵۷.

۱۲. همان، ص ۲۵۸.

۱۳. همان، ص ۲۵۸.

۱۴. همان، ج ۳، ص ۲۸.

۱۵. همان، ص ۱۹.

علی علیه السلام برخوردار از بیشترین دانش و عالم‌ترین امت پیامبر،^۱ علی علیه السلام عالم‌ترین فرد به علم رسول خدا صلی الله علیه و آله.^۲

اغلب این دسته از اخبار را می‌توان در دو موضوع علمی و فقهی و نیز مذهبی و معنوی گنجانند. به نظر می‌رسد تنها فضیلت سیاسی و نظامی که ابن‌سعد از امام نقل می‌کند، حدیث منزلت بوده باشد و مؤلف از نقل سایر فضائل مهم امام در این موضوع پرهیز داشته است. او اخبار مهمی مثل رأیت روز خیبر، یا قرائت سوره براءت را بیان نمی‌کند.

ابن سعد بخشی از فضائل امام حسن علیه السلام را به قرابت ایشان با رسول خدا صلی الله علیه و آله و روابط خانوادگی اختصاص داده است.

مثل: اذان گفتن پیامبر صلی الله علیه و آله در گوش امام علیه السلام،^۳ عقیقه پیامبر برای حسنین علیهما السلام،^۴ تراشیدن سر و صدقه به وزن مو،^۵ نام‌گذاری توسط پیامبر صلی الله علیه و آله،^۶ شباهت ظاهری به پیامبر صلی الله علیه و آله،^۷ تکریم و توجه پیامبر به حسن علیه السلام.^۸

بخش دیگر فضائل آن امام را باید متوجه جایگاه شخصی ایشان دانست هرچند از زبان پیامبر بیان می‌شوند: اعلام دوستی و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به امام حسن علیه السلام و دعا برای دوستداران او،^۹ پیش‌بینی پیامبر صلی الله علیه و آله از صلح میان دو گروه مسلمانان به‌وسیله امام حسن علیه السلام،^{۱۰} امام حسن علیه السلام ریحان پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا،^{۱۱} تساوی حب و بغض نسبت به حسنین و پیامبر،^{۱۲} امام حسن علیه السلام.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۶۸.

۲. همان، ج ۶، ص ۲۲۵.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۲۲۸.

۴. همان، ص ۲۲۹.

۵. همان، ص ۲۳۲.

۶. همان، ص ۲۳۸.

۷. همان، ص ۲۴۵.

۸. همان، ص ۲۵۳ - ۲۵۰.

۹. همان، ص ۲۵۴.

۱۰. حدثنا أبو بكرة قال: لقد رأيت رسول الله صلی الله علیه و آله علي المنبر وهو يقبل علي الناس مرة و علي الحسن مرة و يقول: إن ابني هذا سيد و عسي الله أن يصلح به بين فئتين من المسلمين. این خبر چند بار دیگر با عبارات مشابه تکرار می‌شود. (همان، ج ۱۰، ص ۲۵۶)

۱۱. فقال: «إنه ریحاني من الدنيا و إن ابني هذا سيد و عسي الله أن يصلح به بين فئتين من المسلمين». (همان، ص ۲۵۷)

۱۲. سمعت أبا هريرة. «قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: من أحب الحسن و الحسين فقد أحبني و من أبغضهما فقد أبغضني». (همان، ص ۲۶۲)

سید جوانان بهشت^۱ حضور امام در مباحله با اسقف نجران^۲ برخی از این فضائل که به ابن سعد به آنها پرداخته، جنبه معنوی دارند و برخی هم جنبه سیاسی و اجتماعی. در موارد نادری هم مؤلف به سایر فضائل امام توجه کرده است: شنیدن صدای غیب توسط امام حسن علیه السلام^۳، امام حسن علیه السلام و جمع مال فقرا و تقسیم آن میان مردم^۴. به نظر می‌رسد مهم‌ترین بخش در نگاه ابن سعد توجه به رابطه عمیق و گسترده پیامبر با سبط اکبر خود امام حسن علیه السلام بوده است. گویا این رابطه هم از شباهت او با جد خویش ناشی می‌شود. فضائل امام حسین علیه السلام هم در بخشی از این منبع مشترک با برادر است، مثل: سید جوانان اهل بهشت^۵، تساوی حب و بغض نسبت به حسنین و پیامبر^۶، حضور در مباحله با اسقف نجران^۷ و در برخی هم مختص امام حسین علیه السلام است. مثل کلام ابوهیریه در مقام امام علیه السلام^۸، بیست و پنج حج پیاده توسط امام علیه السلام^۹.

از مقایسه میان فضائل حسنین می‌توان نتیجه گرفت که مؤلف در منبع خود به فضائل برادر بزرگ‌تر به‌طور ویژه توجه کرده است و بین فضائل دو برادر تعادل برقرار نکرده است. شاید ابن سعد درصدد بوده تا امام حسن علیه السلام را از حیث خلق و خو و سیاست متمایل به پیامبر صلی الله علیه و آله نشان دهد.

۲. گزارش بلاذری از فضائل ائمه

بلاذری در منبع خود به فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام به‌گونه‌ای کاملاً متفاوت از استادش ابن سعد

۱. عن جابر. قال: قال رسول الله: من سره أن ينظر إلي سيد شباب أهل الجنة فلينظر إلي الحسن بن علي. این مضمون در اخبار بعدی تکرار می‌شود. (همان، ص ۲۶۳)
۲. عن قتادة. «قال: لما أراد النبي صلی الله علیه و آله أن يباهل أهل نجران. أخذ بيد حسن و حسين. و قال لفاطمة: اتبعينا فلما رأی ذلك أعداء الله رجعوا». (همان، ص ۳۹۲)
۳. همان، ص ۲۹۱.
۴. همان، ص ۲۷۸.
۵. همان، ص ۲۶۴.
۶. همان، ص ۲۶۲.
۷. همان، ص ۳۹۲.
۸. عن أبي المهزم. قال: كنا مع جنازة امرأة و معنا أبو هريرة فجيء بجنازة رجل فجعله بينه و بين المرأة. فصلي عليهما. فلما أقبلنا أعبأ الحسين فقعد في الطريق. فجعل أبو هريرة ينفض التراب عن قدميه بطرف ثوبه فقال الحسين: يا أبا هريرة و أنت تفعل هذا؟ قال أبو هريرة: دعني فوالله لو يعلم الناس منك ما أعلم لملوك علي رقابهم. (همان، ص ۳۹۶)
۹. همان، ص ۴۰۱.

پرداخته است. او حدود ۴۳ گزاره از زبان پیامبر و افراد مختلف درباره فضائل امیرالمؤمنین در موضوعات مختلف نقل می‌کند. ده گزاره مهم از این فضائل، مخصوص شخص امام بوده و در بیان یا در تعامل با پیامبر ﷺ می‌شود. این بخش را باید مهم‌ترین فضائل امام در *انساب الاشراف* دانست که شامل این موضوعات می‌شود:

پرچم جنگ خیبر در دست علی علیه السلام که محب و محبوب خدا و رسول است؛^۱ حدیث منزلت؛^۲ قدرت یافتن امام علی علیه السلام بر قضاوت با عنایت پیامبر؛^۳ دعای مشترک پیامبر برای خود و امیرالمؤمنین علیه السلام؛^۴ دعای پیامبر برای گوش شنوا و نگه‌دارنده حقایق شدن گوش علی علیه السلام (اذن واعیه) امام علی علیه السلام هیچ حدیثی را فراموش نمی‌کند؛^۵ مشابهت امام به عیسی در افراط و تفریط مردم درباره او؛^۶ علی علیه السلام سید دنیا و صالح آخرت؛^۷ حدیث پرنده بریان شده (طیر مشوی) و همراهی محبوب‌ترین خلق خدا در خوردن پرنده بریان با پیامبر؛^۸ علی علیه السلام برادر پیامبر؛^۹ آزار

۱. عن أبي هريرة - رضي الله تعالى عنه - قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم خيبر: «لأعطين الراية غدا رجلا يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله». فدعا عليا فبعته و قال: «قاتل حتي يفتح الله عليك و لا تلتفت». قال: فمشي (علي) ما شاء الله ثم وقف فلم يلتفت و قال: يا رسول الله علي ما أقاتل الناس؟ قال: «قاتلهم حتي يشهدوا أن لا إله إلا الله، و أن محمدا عبده و رسوله، فإذا فعلوا ذلك فقد منعوا منك دماءهم إلا بجهنم و حسابهم علي الله». (بلاذري، *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۹۳)

۲. سعد بن مالك فحدثنا قال: خرج رسول الله صلى الله عليه وسلم إلي تبوك و خلف عليا، فقال: «يا رسول الله خرجت و خلفتني؟ فقال: أما ترضي أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي». (همان، ص ۹۵)

۳. عن علي قال: بعثني رسول الله صلى الله عليه وسلم قاضيا إلي اليمن، فقلت: يا رسول الله بعثتني إلي قوم ذوي أسنان و أنا حديث السن لا علم لي بالقضاء. قال: فوضع يده علي صدري و قال: «إن الله سيهدي قلبك و يثبتك، إذا جاءك الخصمان فلا تقض علي الأول حتي تسمع من الآخر، فإنه يتبين لك القضاء». قال (علي): «فما أشكل علي القضاء بعد». (همان، ص ۱۰۰)

۴. قال علي (عليه السلام): «كانت لرسول الله صلى الله عليه وسلم ساعة من الليل يقوم فيها، فقام (في ليلة) فصلي ثم انصرف إلي فقال: أبشر يا علي فإنني لم أسأل الله (لنفسه) شيئا إلا سألتك بمثله!». (همان، ص ۱۱۲)

۵. قرأ رسول الله صلى الله عليه وسلم: «و تعيها أذن واعية» (۱۲ / الحاقه) فقال: يا علي سألت الله أن يجعلها أذنك. قال علي: «فما نسيت حديثا أو شيئا سمعته من رسول الله صلى الله عليه وسلم». (بلاذري، *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۱۲۱)

۶. عن علي ان النبي صلى الله عليه وسلم قال له: «يا علي إن فيك من عيسي مثلا، أحبه النصاري حتي أفرطوا (في حبه)، و أبغضته اليهود حتي بهتوا أمه». (همان) ۷. همان، ص ۱۱۹.

۸. عن أنس قال: كنت مع النبي صلى الله عليه وسلم في حائط و بين يديه طائر فقال: «يا رب ائتني بأحب الخلق إلي يأكل منه. (قال أنس:) فجاء علي فأكل معه». (همان، ص ۱۴۲)

۹. همان، ص ۱۴۵.

علی علیه السلام مساوی با آزار پیامبر؛^۱ عدم دوستی منافق و عدم بغض مومن نسبت به علی علیه السلام؛^۲ برادری با پیامبر علیه السلام و همراهی با ایشان در ورود به بهشت.^۳ چنانکه مشاهده می‌شود، برخی موضوعات مهم و مورد استناد شیعیان در این میان وجود دارد که غنای این منبع در زمینه فضائل ائمه را افزایش می‌دهد؛ هرچند برخی از اینها از زبان خود امام و به نقل از پیامبر علیه السلام ذکر شده‌اند.

بخش دیگر فضائل امیرالمؤمنین در انساب، اخبار فضایی است از زبان صحابه و اشخاص مهمی چون همسران پیامبر که این دسته هم در این منبع از اهمیت خاصی برخوردار است و نسبت به دسته پیشین پر حجم‌تر است: زید بن ارقم: علی علیه السلام اولین نمازگزار؛^۴ ابوسعید خدری: شناخت منافق انصار با بغض علی علیه السلام؛^۵ عمر: علی علیه السلام قوی‌ترین ما (اصحاب) در قضاوت؛^۶ ابوسعید خدری: آمیختگی علی علیه السلام با پیامبر بیش از همه مردم؛^۷ جابر: علی علیه السلام بهترین انسان‌ها (خیر البشر)؛^۸ جابر: علی علیه السلام بهترین مخلوقات (خیر البریه) بعد از پیامبر؛^۹ ابن عباس: علی علیه السلام مصداق من کنت مولاه، من کنت ولیه، انت منی، محب و محبوب، سدت الابواب، ليله المبيت؛^{۱۰} ام

۱. عن ابن الحنفية قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: من آذَى علياً فقد آذاني. (همان، ص ۱۴۶)
۲. عن الحسن قال قال علي: «و الذي فلق الحبة و برأ النسمة لقد أخبرني رسول الله صلي الله عليه و سلم انه لا يجني منافق و لا يبغضني مؤمن». (همان، ص ۱۵۳)
۳. عن زيد بن أرقم قال: أخي رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بين أصحابه فقال علي: يا رسول الله آخيت بين أصحابك و تركتني؟ فقال: «أنت أخي أما ترضي أن تدعي إذا دعيت، و تكسي إذا كسيت و تدخل الجنة إذا دخلت؟. قال: بلي يا رسول الله». (همان، ص ۱۴۴)
۴. عن زيد بن أرقم قال: أول من صلي مع رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علي بن أبي طالب. (همان، ص ۹۳)
۵. عن أبي سعيد الخدري قال: إنا كنا لنعرف منافقينا معشر الأنصار ببغضهم علي بن أبي طالب. (همان، ص ۹۶)
۶. عن ابن عباس رضي الله تعالى عنهما قال: قال عمر: علي أقضانا و أبي أقرأنا. (همان، ص ۹۷)
۷. عن أبي سعيد الخدري قال: كانت لعلي من رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دخلة لم تكن لأحد من الناس. (همان، ص ۹۸)
۸. عن جابر بن عبد الله أنه سئل: أي رجل كان علي. قال: فرفع بصره ثم قال: أو ليس ذاك من خير البشر. (همان، ص ۱۰۳)
۹. عن محمد بن عبد الله بن عطية العوفي قال: قلت لجابر بن عبد الله: أي رجل كان فيكم علي؟ قال: و كان (كذا) و الله خير البرية بعد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. (همان، ص ۱۱۳)
۱۰. عن عمرو بن ميمون قال: كنا عند ابن عباس في بيته فدخل عليه نفر عشرة، فقالوا له: نخلوا معك. قال: فخلا معهم ساعة ثم قام و هو يجرّ ثوبه و يقول: أف أف وقعوا في رجل قال له رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

سلمه: علی علیه السلام تنها هم صحبت پیامبر به هنگام غضب؛^۱ عایشه: علی علیه السلام داناترین به سنت نبوی (اعلم بالسنة)؛^۲ ابن عباس: علی علیه السلام شأن نزول آیه «انما ولیکم الله»؛^۳ عمار: فضل عظیم به خاطر احیای احیای دو تکبیر سجود؛^۴ عمران بن حصین: نماز علی علیه السلام یادآور نماز پیامبر؛^۵ ام سلمه: شیعیان علی علیه السلام فائزون؛^۶ عمروعاص: اولویت امام به حکومت نسبت به معاویه.^۷

این دو بعد مهم ترین ابعاد فضائل امیرالمؤمنین در *انساب الاشراف* است که به ویژگی های اساسی شخصیت امام توجه داشته است.

به نظر می رسد توجه عمده بلاذری به فضائل اجتماعی، علمی و معنوی امام بوده است و توجه چندانی به فضائل نظامی و نیز سیاسی نداشته است. البته در موارد نادری مثل کلام

«من كنت مولاة فعلي مولاة. و قال له: من كنت وليه فعلي وليه. « و قال له: «أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا انه لا نبي بعدي». و اعطاه الرؤية يوم خيبر و قال: «لأدفعن الرؤية إلي رجل يحب الله و رسوله و يحبه الله و رسوله». و سدت الأبواب إلا باب علي. و نام مكان رسول الله صلي الله عليه و سلم يوم الغار، فكان يرمي و يتضور. و بعث بسورة براءة مع أبي بكر (ثم) ارسل عليا فأخذها (منه) فقال «لا يؤدي عني إلا رجل من اهلي». (همان، ص ۱۰۶)

۱. عن أم سلمة قالت كان النبي صلي الله إذا غضب لم يجترئ أحد أن يكلمه غير علي علیه السلام. (همان، ص ۱۰۷)

۲. عن جسة بنت دجاجة قالت: قلت لعائشة: إن عليا يأمر بصوم عاشوراء، فقالت: هو أعلم من بقي بالسنة. (همان، ص ۱۲۴)

۳. عن أبي صالح: عن ابن عباس قال: نزلت في علي: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ» (۵۵ / المائدة) (همان، ص ۱۵۰)

۴. عن أبي مریم قال: قال عمار: لو أن عليا لم يعمل عملا و لم يصنع شيئا إلا أنه أحيا التكبيرتين عند السجود لكان قد أصاب بذلك فضلا عظيما. (همان، ص ۱۷۹)

۵. عن مطرف بن عبد الله قال: صليت أنا و عمران بن حصين خلف علي ابن أبي طالب فكان إذا سجد كبر، و إذا رفع رأسه كبر، و إذا نهض من الركعتين كبر، فلما انصرفنا أخذ عمران بيدي فقال: لقد صلي صلاة محمد، و لقد ذكرني صلاة محمد صلي الله عليه و سلم (همان، ص ۱۸۰)

۶. قال: ذكرت شيعة علي و عثمان عند أم سلمة، فقالت: ما تذكرون من شيعة علي و هم الفائزون يوم القيامة. (همان، ص ۱۸۲)

۷. ... فقال له عمرو: إنه قد كان ما تري و قد بايعت هذا الرجل و تابعته، و ما أنا راض بكثير من أمره و لكن له سنا، و إني لأعلم أن صاحبك عليا أفضل من معاوية نفسا و قدما، و أولي بهذا الأمر، و لكن واعدي موعدا التقى أنا و أنت فيه علي مهل في غير جيش تأتي في مائة راكب ليس معهم إلا السيوف في القرب و آتي في مثلهم. (همان، ص ۴۰۹)

ابن عباس در مورد آیه انما ولیکم الله... به مسئله ولایت اشاره دارد و نیز آنجا که ابن عباس امام را مصداق جمله من کنت مولاه معرفی می‌کند. همچنین اشاره عمروعاص به اولویت امیرالمؤمنین علیه السلام در مسئله حکومت. با این حال توجه این منبع به فضائل امام علیه السلام در این بخش ضعیف است.

در مورد سه امام بعدی نیز، مسئله همین گونه است و می‌توان گفت هیچ فضیلت سیاسی و نظامی از ایشان دیده نمی‌شود و فضائل، کاملاً در فضای خانوادگی و نهایتاً اجتماعی و یا معنوی دور می‌زنند.

حجم این فضائل هم پس از امام اول، سیر نزولی پیدا می‌کند تا جایی که برای امام سجاد علیه السلام تنها یک فضیلت^۱ در این منبع نسبتاً پر حجم یافت می‌شود.

در مورد امام دوم و سوم، فضائل معدودی در این منبع دیده می‌شود که مهم‌ترین آن سید شباب اهل الجنة است.^۲ نیز شباهت جسمی به رسول خدا صلی الله علیه و آله مسئله دیگری است که در مورد حسنین دیده می‌شود.^۳

اما شاید مسئله مهم در مورد جایگاه دنیوی حسنین و تشبیه آن دو توسط رسول خدا به فرزندان هارون و الهمام از نام آنها در نام‌گذاری حسنین باشد که بلاذری آن را نادیده نگرفته است.^۴

فضائل اختصاصی امام حسن علیه السلام هم منحصر به این موارد است: پانزده حج پیاده و سه بار تقسیم اموال در راه خدا،^۵ کلام صعصعه بن صوحان عبدی در مورد اکرم الناس بودن امام حسن علیه السلام از همه جهات،^۶ برخورداری امام حسن علیه السلام از لب و تمام هر کرامت.^۷

۱. همان، ج ۳، ص ۲۰۷.

۲. و قال صلی الله علیه و سلم الحسن و الحسین سیدا شباب أهل الجنة. (همان، ص ۷)

۳. همان، ص ۱۴۲.

۴. همان، ص ۱۴۴.

۵. حج الحسن رحمه الله خمس عشرة حجة ماشيا، و النجائب لتقاد معه، و خرج من ماله لله مرتین و قاسم الله ما له ثلاث مرات حتی أن كان لیعطي نعلا، و یمسك نعلا، و یمسك خفا و یعطي خفا. (همان، ص ۹)

۶. همان، ج ۵، ص ۳۰.

۷. عن الزهري: تفاخرت قریش عند معاوية، و عنده الحسن و هو ساکت، فقال معاوية: ما یمنعك (یا) أبا محمد من الكلام؟ فوالله ما أنت بكلیل اللسان و لا مأشوب الحسب فقال: «والله ما ذكروا مکرمة و لا فضيلة إلا ولي محضها و لبابها، ثم قال: فیم الكلام و قد سبقت مبرزا سبق الجیاد من المدي المتنفس».

(همان، ص ۱۴)

در مورد امام سوم چند فضیلت مورد توجه است: سخی و شجاع بودن امام،^۱ انتساب حسین به پیامبر و حب الهی نسبت به محب حسین.^۲ البته اگر حوادث خارق العاده در جریان حادثه عاشورا و بعد از شهادت امام، جزو فضائل امام محسوب باشد، حجم گزارش فضایل بیشتر می شود. به هر حال نگاه این منبع به مناقب حسنین به صورتی کمرنگ تحلیل می شود، به گونه ای که هر چند به چند گزاره مهم در مورد آن دو امام اشاره داشته، اما بخشی از سایر فضائل ایشان که در منابع دیگر آمده است را مغفول داشته است.

۳. گزارش یعقوبی از فضائل ائمه

یعقوبی بنا به سبک خاص خود در بیان مختصر تاریخ به روش ترکیبی، بسیاری از مسائل را مورد توجه قرار نداده است. او با اینکه یک مورخ شیعی به شمار می آید، اما فضائل ائمه را تا امام چهارم بیشتر نمی توان در کتاب وی دید. در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام مسائلی از این قبیل را مورد توجه قرار داده است:

اولین نماز گزار؛^۳ کاتب پیامبر در نامه نجران؛^۴ حضور امام در مباحله؛^۵ بیان فضائل امام پس از شهادت توسط امام حسن علیه السلام و قعقاع بن زراره؛^۶ آیه «الیوم اکملت...» در مورد غدیر و

۱. و كان الحسين يكتفي أبا عبد الله، و كان شجاعاً سخياً. این گونه بیان را شاید نتوان فضیلت گویی به حساب آورد. (همان، ص ۱۴۲)

۲. و قال رسول الله صلي الله عليه و سلم: حسين مني و أنا منه أحب الله من أحب حسيناً، حسين سبط من الأسباط. (همان، ص ۱۴۲)

۳. و كان أول ما افترض عليه من الصلاة الظهر، أناه جبريل فأراه الوضوء، فتوضأ رسول الله كما توضأ جبريل ثم صلي ليريه كيف يصلي، فصلي رسول الله. و روي بعضهم أن الظهر الصلاة الوسطي أول صلاة صلاها رسول الله و كان يوم جمعة. ثم أتى خديجة ابنة خويلد فأخبرها فتوضأت و صلت، ثم رآه علي بن أبي طالب ففعل كما رآه يفعل. (يعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳)

۴. و كتب علي بن أبي طالب. فلما قدموا نجران أسلم الأئمة و أقبل مسلماً. (همان، ص ۸۳)

۵. و غذا رسول الله أخذاً بيد الحسن و الحسين تتبعه فاطمة و علي بن أبي طالب بين يديه و غذا العاقب و السيد بابنن هما عليهما الدر و الحلي و قد حفوا بأبي حارثة. فقال أبو حارثة: من هؤلاء معه؟ قالوا: هذا ابن عمه و هذه ابنته و هذان ابناها. فجثا رسول الله علي ركبتيه ثم ركع. فقال أبو حارثة: جثا و الله كما يجثو النبيون للمباهلة. (همان، ص ۸۲)

۶. و لما مات قام الحسن خطيباً، فحمد الله و أثني عليه، و صلي علي النبي، ثم قال: ألا إنه قد مضى في هذه الليلة رجل لم يدركه الأولون، و لن يري مثله الآخرون، من كان يقاتل و جبريل عن يمينه و ميكائيل عن شماله، و الله لقد توفي في الليلة التي قبض فيها موسي بن عمران، و رفع فيها عيسي بن مريم، و أنزل القرآن، ألا و إنه ما خلف صفراً و لا بيضاً إلا سبعمائة درهم فضلت من عطائه أراد أن يبتاع بها خادماً لأهله. فقام

امیرالمؤمنین و بیان حدیث ثقلین؛^۱ جمع آوری قرآن توسط امیرالمؤمنین؛^۲ بیان فضائل امام توسط ابوذر،^۳ قرائت سوره براءت،^۴ ایثار علی در ليله المبیت،^۵ غسل دادن پیامبر توسط علی علیه السلام و صدای غیبی درباره اهل بیت علیهم السلام،^۶ اعتراف خلیفه دوم به برتری امام علی علیه السلام در امر خلافت.^۷

القنقاع بن زرارۃ علی قبره، فقال: رضوان الله عليك، يا أمير المؤمنين، فو الله لقد كانت حياتك مفتاح خير، و لو أن الناس قبلوك لأكلوا من فوقهم و من تحت أرجلهم، و لكنهم غمطوا النعمة، و آثروا الدنيا علي الآخرة (همان، ص ۲۱۳)

۱. و قد قيل: أن آخر ما نزل عليه اليوم أكملت لكم دينكم و أتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الإسلام. دينا و هي الرواية الصحيحة الثابتة الصريحة و كان نزولها يوم النفر علي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، «... ثم قال: لا ترجعوا بعدي كفارا مضلين يملك بعضكم رقاب بعض، إني قد خلفت فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا: كتاب الله و عترتي أهل بيتي. إلا هل بلغت؟ قالوا: نعم! قال: اللهم اشهد. ثم قال: إنكم مسؤولون فليبلغ الشاهد منكم الغائب ... (همان، ص ۴۳ و ۱۲۲)

۲. و روي بعضهم أن علي بن أبي طالب كان جمعه لما قبض رسول الله و أتي به يحمله علي جمل، فقال: هذا القرآن قد جمعته، و كان قد جزأه سبعة أجزاء ... (همان، ص ۱۳۵)

۳. ... و علي بن أبي طالب وصي محمد، و وارث علمه. أيتها الأمة المتحيرة بعد نبيها! أما لو قدمتم من قدم الله، و أخرتم من أخر الله، و أقررتم الولاية و الوراثة في أهل بيت نبيكم لأكلتم من فوق رؤوسكم و من تحت أقدامكم، و لما عال ولي الله، و لا طاش سهم من فرائض الله، و لا اختلف اثنان في حكم الله، إلا وجدتم علم ذلك عندهم من كتاب الله و سنة نبيه، فأما إذ فعلتم ما فعلتم، فذوقوا وبال أمركم، و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون. (همان، ص ۱۷۱)

۴. ... و في تلك السنة وجه علي بن أبي طالب بسورة براءة فأخذها من أبي بكر، فقال أبو بكر: يا رسول الله! هل نزل في شيء؟ فقال: لا، و لكن جبريل قال لي: لا يبلغ هذا إلا أنت أو رجل من أهلك. فقرأها علي أهل مكة، و يقال قرأها علي سقاية زمزم.. (همان، ص ۷۷)

۵. ... أوحى في تلك الليلة إلي جبريل و ميكائيل أني قضيت علي أحدكما بالموت فأيكما يواسي صاحبه؟ فاختار الحياة كلاهما فأوحى الله إليهما: هلا كنتما كعلي بن أبي طالب، آخيت بينه و بين محمد، و جعلت عمر أحدهما أكثر من الآخر، فاختار علي الموت و آثر محمدا بالبقاء و قام في مضجعه، اهبطا فاحفظاه من عدوه، فهبط جبريل و ميكائيل فقعد أحدهما عند رأسه و الآخر عند رجله يجرسانه من عدوه و يصرفان عنه الحجارة، و جبريل يقول: بخ بخ لك يا ابن أبي طالب من مثلك يباهي الله بك ملائكة سبع سموات! و خلف عليا علي فراشه لرد الودائع التي كانت عنده و صار إلي الغار فكنم فيه و أتت قريش فراشه فوجدوا علياً فقالوا: أين ابن عمك؟ قال: قلت له اخرج عنا، فخرج عنكم... (همان، ص ۴۰)

۶. ... و غسله علي بن أبي طالب، و الفضل بن العباس بن عبد المطلب و أسامة بن زيد يناولان الماء، و سمعوا صوتا من البيت، يسمعون الصوت و لا يرون الشخص، فقال: السلام و رحمة الله و بركاته عليكم أهل البيت، إنه حميد مجيد، إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس، أهل البيت، و يطهركم تطهيرا... (همان، ص ۱۱۴)

۷. ... فقال: أمضها يا ابن عباس! أ تري صاحبكم لها موضعا؟ قال فقلت: و أين يتبع من ذلك مع فضله و سابقته و قرابته و علمه؟ قال: هو و الله كما ذكرت و لو وليهم تحملهم علي منهج الطريق، فأخذ الحجاة

به نظر می‌رسد یعقوبی بیشتر درصدد بیان تاریخ بوده و در این رهگذر فضائلی را هم ذکر کرده است. فضائل معدود سه امام بعدی هم همین‌گونه است.

۴. گزارش طبری از فضائل ائمه

عمده فضائل ائمه در این منبع متوجه امام اول است و مؤلف حتی به حسنین هم توجهی چندانی نداشته و فضائل آن دو را آن‌گونه که باید نقل نمی‌کند.

نقطه ثقل توجه طبری به فضائل امیرالمؤمنین را باید مسئله سبقت در اسلام و نماز دانست که حدود پنج صفحه به این گزاره و گزارش‌های متنوع آن اختصاص داده است.^۱ غیر از این موضوع، مؤلف برخی دیگر از فضائل را نقل می‌کند مانند:

کلام پیامبر درباره امام: «انه مني و انا منه / لا فتى الا علي»؛^۲

پیامبر و حدیث منزلت؛^۳

کلام پیامبر درباره خشن بودن امیرالمؤمنین در ذات خدا؛^۴

کلام سعید بن زید درباره اینکه همیشه علی عليه السلام یکی از چهار صحابی در امور خیر است.^۵

اگر این منبع مفصل را با منبع مشابهش مثل *انساب الاشراف* در نظر بگیریم، درک این نکته آسان است که طبری بخش عمده فضائل امیرالمؤمنین را در منبع خود لحاظ نکرده است و تنها بر همان موضع سبقت در اسلام تکیه کرده که هرچند دارای تفصیل و تنوع است، اما با بیان اختلافات و اخبار معارض درباره سایر صحابه، دچار خدشه می‌شود.

عجیب آن است که وی به فضائل حسنین هم توجهی نکرده، حتی فضائل مشهور آن دو

الواضحة، إلا أن فيه خلاصاً: الدعابة في المجلس، و استبداد الرأي، و التبكيك للناس مع حداثة السن ... (همان، ص ۱۵۸)

۱. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۲ ص ۳۱۴ - ۳۰۹.

۲. فقال رسول الله ﷺ: انه مني و انا منه، فقال جبريل: و انا منكما، قال: فسمعوا صوتاً: لا سيف الا ذو الفقار و لا فتى الا علي. (همان، ص ۵۱۴)

۳. ... فقال: كذبوا، و لكني انما خلفتك لما ورائي، فارجع فاخلفني في اهلي و اهلك، ا فلا ترضي يا علي ان تكون مني بمنزلة هارون من موسي، الا انه لا نبي بعدي! فرجع علي الي المدينة، و مضى رسول الله ص علي سفره. (همان، ج ۳، ص ۱۰۴)

۴. ... فقام رسول الله فينا خطيباً، فسمعتنه يقول: يا ايها الناس، لا تشكروا عليا، فو الله انه لأخشي في ذات الله - او في سبيل الله - من ان يشكي. (همان، ص ۱۴۹)

۵. عن سعید بن زید، قال: ما اجتمع اربعة من اصحاب النبي ففازوا علي الناس بخير يجوزونه الا و علي بن ابي طالب احدهم. (همان، ج ۴، ص ۴۴۷)

مثل سید شباب اهل الجنة را در منبع خود لحاظ نکرده است.^۱ او هیچ کدام از سخنان رسول خدا در شأن سبطین ذکر نکرده است. گویا تنها دلیل آن توجه عمدۀ طبری به شئون سیاسی و نظامی است. البته همین مسئله را در مورد امیرالمؤمنین به نحو مطلوب رعایت نکرده است. عدم ذکر فضایل امام حسن علیه السلام تا حدی است که حتی سخن پیامبر در پیش گویی صلح ایشان را از قلم انداخته است، درحالی که منبعی مثل طبقات بارها آن را نقل می کند. در مورد امام حسین علیه السلام هم توجه عمدۀ او به حادثۀ عاشورا است و شاید بتوان سخنان اطرافیان امام را به عنوان فضیلت ایشان در نظر گرفت؛ هرچند آن وقت باید سخنان دشمنان امام را در تعارض با فضائل شمرد.

۵. گزارش مسعودی از فضائل ائمه

ذکر فضائل ائمه در مروج الذهب را تقریباً باید منحصر در فضائل امام اول دانست.^۲ این منبع را باید از لحاظ بینشی و روشی (و نه کمی و حجمی) قوی ترین منبع در میان منابع منتخب پنج گانه در بیان فضائل امیرالمؤمنین دانست؛ زیرا وی صرف نظر از بیان فضائل مختلف به مناسبت های مختلف، در بخشی با عنوان «فضائله رضي الله عنه»^۳ به بیان شاخصه های فضیلت پرداخته و بعد در بیانی جامع ابراز می دارد که نصیب او فر و حظ اکبر همه این شواخص را باید در وجود علی علیه السلام دید.

یعنی او بالاترین نمره را در همه خصوصیات مشترک بین اصحاب، مختص امیرالمؤمنین دانسته و بعد هم به فضائل منفرد امام پرداخته و آنها را بیان می کند: «انت اخی، حدیث مزلت، من كنت مولاه، اللهم وال من والاه، حدیث طیر».^۴ پیش از این هم مسعودی تصریح داشته که فضائل، مقامات و مناقب امام بیش از آن است که در کتاب وی یا کتاب های دیگر بگنجد و مطلب را به چند کتاب دیگر خود ارجاع می دهد.^۵ در میان فضائل پراکنده هم بیشتر موارد خاص این کتاب بوده و در سایر منابع دیده نمی شوند مانند:

– اشاره به لیلۀ المبیّت؛^۶

۱. تنها در روز عاشورا از زبان امام حسین به این کلام نبوی استناد می شود. (همان، ج ۵، ص ۴۲۵).

۲. تنها مطلبی که درباره فضیلت حسنین علیهم السلام به چشم می خورد، شراکت آن دو بزرگوار با پدر در آیه تطهیر است.

(مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۱۳)

۳. همان، ص ۴۲۵.

۴. همان.

۵. همان.

۶. قال المسعودی: و قد ذکرنا فی الكتاب الأوسط کیفیة فعل رسول الله صلی الله علیه و سلم فی خروجه من

- دعای پیامبر برای علی علیه السلام که همان دعای زکریا است؛

- کلام ابن عباس در تساوی سب علی علیه السلام با سب پیامبر و خدا؛^۲

- نامه محمد بن ابی بکر به معاویه و بیان فضائل علی علیه السلام؛^۳

- عدم شرک علی علیه السلام و تبعیت از نبی و عصمت الهی؛^۴

- بیان زهد امام؛^۵

- توصیف امام توسط ضرار بن ضمیره برای معاویه؛^۶

مکه و دخوله الغار و استئجار علی له الإبل، و نومه علی فراشه، فخرج النبي صلی الله علیه و سلم من مکه، و معه أبو بکر و عامر بن فهیره مولي أبي بکر و عبد الله بن أریقظ الديلي دليل لهم علي الطريق، و لم یکن مسلماً، و کان مقام علي بن أبي طالب بعده بمكة ثلاثة أيام إلي أن أدی ما أمر بأدائه، ثم لحق بالرسول صلي الله عليه و سلم. (همان، ص ۲۷۹)

۱. و كان رسول الله صلي الله عليه و سلم - بعد ان قتل جعفر بن أبي طالب الطيار مؤتة من ارض الشام - لا يبعث بعلي في وجه من الوجوه إلا يقول: (رب لا تذرني فرداً و أنت خير الوارثين). (همان، ص ۴۲۲)

۲. ... قال: أشهد لقد سمعت رسول الله صلي الله عليه و سلم يقول: «من سبب النسبي فقد سب الله، و من سب علياً فقد سبب نسبي». (همان)

۳. ... فكان أول من أجاب و أناب و آمن و صدق و أسلم و سلم أخوه و ابن عمه علي بن أبي طالب: صدقه بالغيب المكتوم، و أثره علي كل حميم، و وقاه بنفسه كل هول، و حارب حربه، و سالم سلمه، فلم يبرح مبتدلاً لنفسه في ساعات الليل و النهار و الخوف و الجوع و الخضوع حتي برز سابقاً لا نظير له فيمن اتبعه، و لا مقارب له في فعله، و قد رأيتك تساميه و أنت أنت، و هو هو، أصدق الناس نية، و أفضل الناس ذرية، و خير الناس زوجة، و أفضل الناس ابن عم: أخوه الشاري بنفسه يوم مؤتة، و عمه سيد الشهداء يوم أحد، و أبوه الذاب عن رسول الله صلي الله عليه و سلم و عن حوزته، و اللعين ابن اللعين لم تزل أنت و أبوك...». (همان، ج ۳، ص ۱۱)

۴. و قد تنوزع في علي بن أبي طالب كرم الله وجهه و إسلامه، فذهب كثير من الناس إلي أنه لم يشرك بالله شيئاً فيستأنف الإسلام، بل كان تابعاً للنبي صلي الله عليه و سلم في جميع أفعاله مقتدياً به، و بلغ و هو علي ذلك، و أن الله عصمه و سدده و وفقه لتبعية نبيه عليه السلام، لأنهما كانا غير مضطرين و لا مجبورين علي فعل الطاعات، بل مختارين قادرين، فاختارا طاعة الرب، و موافقة أمره، و اجتناب منهياته، و منهم من رأي أنه أول من آمن، و أن الرسول دعاه و هو موضع التكليف بظاهر قوله عز و جل: «و أنذر عشيرتك الأقربين»، و كان بدؤه بعلي إذ كان أقرب الناس إليه و أتبعهم له. (همان، ج ۲، ص ۲۷۶)

۵. لم يلبس عليه السلام في أيامه ثوباً جديداً، و لا اقتني ضيعة و لا رعباً، الا شيئاً كان له يبيع مما تصدق به و حبسه. (همان، ص ۴۱۹)

۶. و دخل ضرار بن ضميرة - و كان من خواص علي - علي معاوية وافداً، فقال له: صف لي علياً، قال: أعطني يا امير المؤمنين، قال معاوية: لا بد من ذلك، فقال: أما إذا كان لا بد من ذلك فإنه كان و الله بعيد المدي، شديد القوي، يقول فضلاً، و يحكم عدلاً، يتفجر العلم من جوانبه، و تنطق الحكمة من نواحيه، يعجبه من الطعام ما خشن، و من

- ذریه پیامبر در صلب علی علیه السلام، و اینکه شیعیان علی علیه السلام به جهت طهارت مولد در قیامت به نام پدرانشان خوانده می‌شوند؛^۱

- کلام سعد درباره بهتر دانستن خصال علی علیه السلام از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد.^۲

این گزاره‌ها که برخی از آنها شامل چند فضیلت مهم می‌شود، در منابع دیگر دیده نمی‌شود. نتیجه آنکه مسعودی با بیان گزارش‌های متنوع از زندگی پیامبر و صحابه، گزاره‌های مهمی را در بیان فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام به دست داده است که رتبه کتاب خود را در این زمینه به درجه نخست رسانده است.

نتیجه

با دقت در این منابع منتخب به یک ساختار موضوعی می‌توان دست‌یافت. نکته مشترک تمام منابع منتخب آنکه بیان فضائل ائمه، به امامان نخستین منحصر شده و سایر امامان در این بعد مورد توجه مؤلفین منابع پنج‌گانه قرار نگرفته‌اند. گویا فضیلت رابطه ناپیدایی با قرابت زمانی به

اللباس ما قصر، و كان والله يجينا إذا دعونا، و يعطينا إذا سألناه، و كنا والله - علي تقريره لنا و قربه منا - لا نكلمه هيبه له، و لا نبتدئه لعظمه في نفوسنا، يبسم عن ثغر كاللؤلؤ المنظوم، يعظم أهل الدين، و يرحم المساكين، و يطعم في المسعبة يتيما ذا مربة أو مسكيناً ذا مربة، يكسو العريان، و ينصر اللفهان، و يستوحش من الدنيا و زهرتها، و يأسن بالليل و ظلمته، و كأني به و قد أرخي الليل سدوله، و غارت نجومه، و هو في محرابه قابض علي لحيته يتململ تملل السليم و يبكي بكاء الحزين و يقول: يا دنيا غري غيري، ألي تعرضت أم إلي تشوفت؟ هيهات هيهات!! لا حان حينك، قد أبنتك ثلاثاً لا رجعة لي فيك، عمرك قصير، و عيشك حقير، و خطرک يسير، آه من قلة الزاد و بعد السفر و وحشة الطريق. ... (همان، ص ۴۲۱)

۱. عن العباس بن عبد المطلب، قال: كنت عند رسول الله صلى الله عليه و سلم إذ أقبل علي بن أبي طالب، فلما رآه أسفر في وجهه، فقلت: يا رسول الله، إنك لتسفر في وجه هذا الغلام: فقال: يا عم رسول الله، و الله لله أشد حبا له مني، إنه لم يكن نبي إلا و ذريته الباقية بعده من صلبه، و إن ذريتي بعدي من صلب هذا، إنه إذا كان يوم القيامة دعي الناس بأسمائهم و أسماء أمهاتهم سترًا من الله عليهم، إلا هذا و شيعته فإنهم يدعون بأسمائهم و أسماء آبائهم لصحة ولادتهم. (همان، ص ۴۲۸)

۲. ... و الله لأن يكون في خصلة واحدة من خصال كانت لعلي أحب إلي من أن يكون لي ما طلعت عليه الشمس: و الله لأن أكون صهراً لرسول الله صلى الله عليه و سلم و أن لي من الولد ما لعلي أحب إلي من أن يكون لي ما طلعت عليه الشمس، و الله لأن يكون رسول الله صلى الله عليه و سلم قال لي ما قاله يوم خيبر: «لأعطين الراية غداً رجلاً يحبه الله و رسوله، و يحب الله و رسوله، ليس بفرار يفتح الله علي يديه» أحب إلي من أن يكون لي ما طلعت عليه الشمس، و الله لأن يكون رسول الله صلى الله عليه و سلم قال لي ما قاله في غزوة تبوك: «ألا ترضي أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى، إلا أنه لا نبي بعدي» أحب إلي من أن يكون لي ما طلعت عليه الشمس، و أم الله لا دخلت لك داراً ما بقيت، ثم نهض. (همان، ج ۳، ص ۱۴)

رسول خدا ﷺ دارد و هرچه فاصله بیشتر می‌شود، فضائل ائمه هم کم‌رنگ‌تر می‌شود. فضایل ائمه نخستین را نیز در منابع را می‌توان در چند محور دسته‌بندی کرد:

(الف) فضایل قرآنی که اشاره به جایگاه ایشان در کلام خداوند دارند؛

(ب) فضائلی که بیان‌کننده جایگاه ایشان در نزد رسول خدا و برگرفته از همراهی و نزدیکی با پیامبر است؛

(ج) فضائلی که بیان‌کننده ویژگی‌های شخصیتی و معنوی ایشان می‌باشد؛

(د) فضائلی که به برجستگی‌های اهل‌بیت ﷺ در میان امت و مردم (جامعه) اشاره دارد؛

(ه) فضائلی که ناظر به ویژگی‌های اهل‌بیت ﷺ در ابعاد سیاسی نظامی و امنیتی می‌شود؛

(و) فضائلی که به جایگاه علمی و برتری اهل‌بیت ﷺ معطوف است؛

(ز) فضائلی که به منزلت و برتری‌های اهل‌بیت ﷺ در آخرت اشاره دارد.

با عنایت به جایگاه امامان شیعه در ابعاد مختلف در دوره زمانی خویش و با التفات به نقش‌آفرینی‌های آنان در عرصه‌های مختلف؛ نظیر امیرالمؤمنین در زمان حیات پیامبر و حسین ﷺ جای شگفتی است که در این چند منبع فضایل اندکی از این بزرگواران نقل شده است. درست است که این منابع به دنبال گزارش حوادث تاریخی بوده‌اند، نه فضائل و مناقب نگاری، ولی از جهت اینکه هر یک از این فضائل در بستر حادثه‌ای تاریخی بروز کرده جا داشت شمار بیشتری از فضایل ایشان در این منابع بیان شود.

البته یکسان‌سازی رتبه اصحاب و بلکه بالا بردن فضائل دیگران نسبت به ائمه از نقاط انحرافی برخی از مورخان بوده است.

در میان پنج منبع منتخب، سبک و روش ابن‌سعد را باید به‌طور عمده، تقسیم ابعاد شخصیتی مختلف میان امامان و سایر بزرگان و اصحاب دانست؛ به شکلی که نتیجه‌اش منزلت علی‌السویه اصحاب شود.

بالذری بدون داشتن این دغدغه به‌راحتی فضائل مهمی از ائمه و خصوصاً امیرالمؤمنین را نقل کرده که به‌وضوح، عظمت جایگاه ایشان را در مقابل سایرین نشان می‌دهد. اخبار وی در این زمینه قرابت منحصر به فرد امام ﷺ و رسول خدا را هم به مخاطب می‌فهماند. همچنین فضیلت امام در سخن بزرگان و خواص برای مخاطب *انساب الاشراف* کاملاً قابل‌درک است.

تاریخ یعقوبی را باید به‌عنوان منبعی شناخت که توجه ویژه‌ای به بیان مناقب و فضائل ائمه نداشته است و آنچه از منبع وی به‌عنوان فضیلت استخراج می‌شود، تنها دریافته‌هایی از گزاره‌های تاریخی است.

تاریخ طبری ضعیف‌ترین منبع در میان منابع پنج‌گانه در پرداختن به فضائل ائمه است. او نه توجه مطلوبی به ابعاد فضائل امیرالمؤمنین و نه حتی توجه مختصری به فضائل حسنین و سایر ائمه علیهم‌السلام ندارد.

اما مروج الذهب هرچند تنها به فضائل امیرالمؤمنین توجه داشته، اما حاوی نکات بسیار مهمی در مورد مناقب و شخصیت ایشان است و از حیث محتوایی قوی‌ترین منبع در میان پنج منبع محسوب می‌شود.

نکته مهمی که باید در باب فضائل ائمه در منابع منتخب موردتوجه قرار گیرد، این است که قضاوت دقیق‌تر درباره انعکاس فضایل ائمه علیهم‌السلام در منابع با مقایسه حجم و درجه این گزاره‌ها با فضائل سایر اصحاب و به‌طور ویژه خلفای سه‌گانه امکان‌پذیر است. بدون در نظر گرفتن طرحی که مؤلف از لحاظ کمی و کیفی برای فضائل دیگران در نظر داشته، نمی‌توان تصور دقیقی از طرح او در مورد فضیلت‌های ائمه داشت. ممکن است محتوای یک منبع با نگاه صرف به فضیلت امیرالمؤمنین برجسته به نظر برسد، اما بعد از مقایسه با حجم فضائل سایرین، خواهیم دانست که مولف چه تحلیل یا مقصودی داشته است.

منابع و مأخذ

۱. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالنشر، ۱۴۰۰ ق.
۲. طباطبایی، عبدالعزیز، *ترجمه الامام الحسن علیه‌السلام من طبقات ابن سعد و ترجمه الامام الحسين علیه‌السلام من طبقات ابن سعد*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۶ ق.
۳. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی، بی‌تا.
۴. محمد بن سعد، *الطبقات الکبری*، تحقیق احسان عباس، بیروت، بی‌تا.
۵. _____، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۶. _____، *الطبقة الخامسة من طبقات ابن سعد*، تحقیق محمد بن صامل السلمی، طائف، مکتبه الصدیق، ۱۴۱۴ ق.
۷. المسعودی، علی بن الحسین بن علی، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، مصر، دارالرجاء للطبع و النشر، بی‌تا.
۸. یعقوبی، ابن واضح، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر، بی‌تا.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی